

انتقاد بر نظریه مندرج در صفحه ۱۰۴ و ۸۰

مبنی بر اینکه اطفال همیز غیر بالغ در امور خلاقی قابل کیفر نمیباشند

پروفیسور آلبرت انشتین دانشمند نامی جهان ثابت نمود که بعد چهارمی هم در مشخصات اجرام وجود دارد که همان زمان باشد!

این بعد زمانی در قوانین حقوقی و جزائی نیز بخوبی محسوس است. بنا به همین اصل است که قوانین در زمان های متفاوت تغییر میکنند تا همان اثر مورد نظر خود را حفظ نمایند چنانچه قانونی با مقتضیات زمان تغییر و تطبیق نگردد مسلماً اثرات اصلی آن رو بکاهش مینهد تا بصورت جسد بی روحی درآید.

منظور از ذکر نکته فوق تنها طلب مغفرت برای آن شادروان نیست بلکه توجه بتکاملی است که با گذشت زمان در شئون مختلف زندگی و قوانین مربوط بآن صورت میگردد هیچکس نمیتواند منکر سرعت نمو عقلانی اطفال امروزی شود. و با پیشرفت های علمی و وسائل پرورش و آموزش امروزی رشد فکری و جسمی اطفال خیلی سریعتر و وسیع تر از آن است که حتی تا چند سال پیش یعنی قبل از اختراع و استفاده از رادیو و تلویزیون و سایر ارتباطات سریع صورت میگرفته است! میتوان ادعا نمود که مثلاً یک بچه ۱۰ ساله امروزی معادل یک جوان سی ساله قدیم رشد فکری دارد بحث در این مورد زائد بنظر میرسد زیرا: « چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است »

علیهذا همانطوریکه آن طفل نابالغ قانونی بشکل پلیس دربیاید و بایک علامت حرکت اتومبیل ها را متوقف میسازد و تخلفات اشخاص بزرگتر از خود را برخشان میکشد و گزارش میدهد و طلب مجازات مینماید زهی بی انصافی و برخلاف سیر سریع تکامل امروزی است که بخواهیم باتکاء یک مورد استثنائی چنین اطفال با اصطلاح نابالغ قانونی را بطور کلی از کیفر خلاقی معاف بدانیم!

آراء شعب ۵ و ۲ دیوان عالی کشور که در سالهای ۱۸ و ۲۸ و بنا بمقتضیات آن زمان صادر شده است رای هیئت عمومی دیوان کشور نیست تا مانند قانون باشد و مربوط بماده ۳۵ است نه ماده ۳۶ مذکور

بعلاوه استثناء تخفیفی که در مورد جنحه و جنایات اطفال بین ۱۵ و ۱۸ ساله در ماده ۳۶ قید گردیده است قابل تعمیم بجرائم خفیفتر یعنی امور خلاقی نیست زیرا در ماده مزبور قابلیت تحمل و انتباه کودک در نظر گرفته شده تا مجازاتی که برای تنبیه و تربیت طفل تعیین میشود بنا ببودی و سقوط او منجر نگردد.

نکته مهم آنکه اطفال مزبور بسيار تربيت پذيرند و چنانچه آنها بمجازات خلافی آشنا نشوند و در جرائم خلافی آزاد باشند مسلماً جری شده از ارتکاب جنحه و جنايات هم بيمی نخواهند داشت.

توجه بلزوم تنبيه و جلوگيری از تخلفات ناشی از رانندگی دوچرخه هائی که غالباً مخصوص اطفال نابالغ است حائز کمال اهميت است حبس آنها در دارالتأديب تعيين شده تا از آلوده شدن بمفاسد بيشتر محفوظ بمانند و الاحبس در دارالتأديب مانند حبس تأديبی با همان شرايط بموجب ماده ۵ اختلافی سال ۲۸ قابل خريد است.

نظير سنين جزائی مورد بحث سنين چهارگانه ازدواج نیز موجود است که هر کدام تابع مقررات مخصوص بخود است

استدلال و نظريه مزبور که اطفال ممیز که بسن ۱۸ سال تمام نرسیده اند (بطوراعم) قابل کيفر خلافی نميباشند شبيه آن است که با تفسير و تعميم ماده ۶ قانون جزا که ميگويد:

« در حق مردانی که عمر آنها متجاوز از شصت سال است و همچنين کلیه زنها حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمیشود و مجازات آنها بحبس مجرد تبديل خواهد شد مگر اينکه حکم برای ارتکاب بقتل عمدی صادر شود » بخواهم چنين استنباط و استنتاج کنيم:

که چون نظر قانونگذار در اين ماده استثنائی ارفاق کلی و تنزیل درجات جرم میباشد پس لازم است اين استثناء و ارفاق را بکلیه مجازاتهای عمومی ديگر آنها سرايت دهيم و جرائم و مجازاتهای خفيف تر آنها که اجرائيش قابل تحمل آنهاست قابل تخفيف و يا غير قابل تعقيب بدانيم

این برخلاف اصول جزائی است که بخواهم مواد جزائی را با کمک تفسير و بسط از قالب صريح و اصلی خود خارج سازيم و قياس هم جایز نیست تا مثلاً رویه ای که که در ماده ۳۵ معمول شده در ماده ۳۶ هم بکار رود.

سختگيری های داد گاه عالی انتظامی سبب شده است که قضات فهميده و باذوق کشور ما با قدرت و تسلط معنوی و علمی که دارند بجای آنکه حقايق مترقی زندگی را در نظر گیرند و قوانين موجود را با آنها تطبيق کنند ميکوشند با الفاظ بازی نموده و حقيقت واقعی را آنقدر کج و معوج سازند تا در قالب کهنه و فرسوده غالب قوانين موضوعه در آورند